

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

یادداشت:

آنچه در ذیل تقدیم می گردد، گزارش هائیکست که به وسیله گزارشگران "چریکهای فدائی خلق ایران" تهیه شده و جهت نشر به پورتال ارسال شده است.

مطالعه این گزارش ها به وضاحت نشان می دهد که از دید نظام حامی سرمایه، اعتناء به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم فقط تا زمانی می تواند مطرح گردد که منافع آنها به خطر نیفتاده باشد. آنها همیشه آماده اند به محض کوچکترین احساس خطری، بر تمام قوانین و مصوبات خویش پا گذاشته، چهره اصلی نظام سرمایه داری را که چیزی نیست به جز حمایت از سرمایه با تمام وسایل ممکن و لازم و سرکوب خونین دشمنان سرمایه به نمایش بگذارند.

اداره پورتال AA-AA

[نبرد های خیابانی سه روزه در تورنتو]

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی مردم کانادا در روز جمعه ۲۵ جون ۲۰۱۰ در پارک "الن گاردن" تورنتو

از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون نشست رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان که به نام نشست "جی-۸" و "جی-۲۰" معروف شده است، در استان اونتاریو (کانادا) برگزار شد. رهبران قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری در این نشست گرد هم آمده بودند تا بحران جاری سرمایه داری جهانی را بررسی کرده و راه نجاتی برای سرمایه داران زالو صفت پیدا کنند. راه های حلی که تجربه نشان داده هدفی جز سرشکن کردن هر چه بیشتر بار بحران های نظام بر دوش کارگران و توده های ستمدیده را دنبال نمی کند. به همین دلیل هم تظاهرات متعددی توسط نیروهای چپ و دیگر فعالان اجتماعی در اعتراض به هر آن چه که این نشست ها معرف آن هستند، فراخوان داده شده بود.

یکی از این تجمعات در روز جمعه ۲۵ جون از پارک "الن گاردن" در مرکز شهر تورنتو شروع شد. از ساعت ۱ بعد از ظهر مردم معترض شروع به تجمع در این پارک نمودند.

تمام مرکز شهر تورنتو از چندین روز قبل به شکل یک شهر محاصره شده نظامی درآمده بود. به عنوان مثال پولیس ۷۷ دوربین مدار بسته برای شناسائی تظاهرکنندگان در خیابان های مرکز شهر کار گذاشته بود. با این تاکتیک، هر کس برای رسیدن به پارک "الن گاردن" باید از زیر آن ها رد میشد. هلیکوپتر های پولیس نیز مدام بالای سر تظاهرکنندگان می چرخیدند.

انتخاب پارک "الن گاردن" جهت اعتراض به نظام سرمایه داری حاکم خود پر معنا بود. از این جهت که این پارک محل زندگی و تجمع فقراء، بی خانمان ها و دیگر قربانیان فقر و فلاکت و بدبختی ناشی از سلطه طبقه سرمایه دار است. در نتیجه، انتخاب این محل برای اعتراض به شرایط اسفباری که سرمایه داری انحصاری جهانی برای کارگران و زحمتکشان جهان ایجاد کرده بسیار پر مسمما بود.

هرچند که پولیس برای "تمیز" کردن قیافه شهر در روزهای نشست رهبران سرمایه داری جهانی، گداها و بی خانمان ها را موقتا از سطح خیابان ها جمع کرده بود، اما از آن جا که "الن گاردن" چندین کیلومتر از محل نشست دور است و جلوی چشم رهبران مزبور قرار نداشت، ساکنین فقیر این پارک از گزند اذیت و آزار های پولیس به دور ماندند. آن ها در این پارک (که خانه شان محسوب میشود) حضور داشتند و مردم برای اعتراض به قدرت های امپریالیستی که این زندگی رقت انگیز را برای این انسان ها ایجاد کرده اند، با توجه به این واقعیت در آن جا جمع شدند.

حدد ساعت ۳ بعد از ظهر، مارش تظاهرکنندگان در خیابان های شهر آغاز شد. مردم در حین راه پیمائی در شهر با صدها پولیسی مواجه شدند که برای کنترل تظاهرات ضدامپریالیستی مردم بسیج شده بودند. هزاران مأمور مخفی پولیس نیز با لباس شخصی در خیابان ها پرسه می زدند که برخی از آن ها از روی لباسهایشان و مدل موهایشان قابل تشخیص بودند. و تظاهرکنندگان با شناخت شان آن ها را به هم نشان می دادند. امری که موجب خنده مردم شده بود.

در همان اوایل تظاهرات، ماجرای دیگری نیز اتفاق افتاد که عمق حماقت و در عین حال خشونت حیوانی پولیس مدافع سرمایه داری را به نمایش گذارد. هنوز نیم ساعتی از تظاهرات نگذشته و تظاهرکنندگان به خیابان "یانگ" نرسیده بودند که تعدادی از تظاهرکنندگان متوجه شدند که پولیس فردی را در پیاده رو زیر مشت و لگد گرفته است و به همین دلیل هم جمعیت فریاد می زد "رهایش کنید. آزادش کنید...".

خیلی ها اصلاً چیزی نمی دیدند و نمی دانستند که پولیس با فردی که دستگیر شده چه می کند. اما خیلی زود روشن شد که صحنه بسیار دلخراشی در حال وقوع است. برخی از تظاهرکنندگان که شاهد ماجرا بودند با تمام قوا فریاد میزدند و برای کمک کردن به آن فرد به سمت پیاده روی محل حادثه می رفتند. پس از مدتی معلوم شد که پولیس فرد کر و لالی را دستگیر کرده و او را که به دلیل وضعیتش متوجه موقعیت نشده بود، در پیاده رو زیر مشت و لگد گرفته بودند. پس از مداخله تظاهرکنندگان، پولیس متوجه اشتباه احمقانه و وحشیانه خود شد و آن فرد را رها کرد.

تظاهر کنندگان با خشم و در عین حال با مسخره کردن حماقت پولیس، میگفتند "انگار که تروریستی خیالی را دستگیر کرده اند."

در طول مسیر راهپیمائی، پولیس ویژه با سگ های تعلیم دیده شان در همه خیابان های باریک و کوچه های منتهی به خیابان های اصلی دیده میشدند. تظاهرکنندگان در هر تقاطعی که پولیس ضد شورش و پولیس های مسلح سوار بر اسب را میدیدند شعار میدادند "این حیوانات را از روی اسب ها پیاده کنید." (Get these animals off the horses)

پولیس حافظ منافع سرمایه داران غارتگر جهت سرکوب تظاهرات جی ۲۰- از قبل، نیروهای خود را آماده کرده بود. به طور مثال پولیس یک نوع دستگاه های تولید صدای آزار دهنده خریداری کرده بود که گفته میشد صدای آن دستگاه ها میتواند موجب کر شدن تظاهرکنندگان شود. البته خود افراد پولیس گوشی های مخصوصی به گوش داشتند تا آسیمی به خودشان نرسد.

از روز پنجشنبه مرکز شهر تورنتو تقریباً خالی از سکنه به نظر میرسید و پولیس موفق شده بود تا حدی بخشی از مردم را از تظاهرات دور نگه دارد. با این همه، تعداد زیادی از مردم به خیابان ها آمدند و در تظاهرات راهپیمایی به ضد نظام سرمایه داری شرکت کردند.

در تظاهرات روز جمعه در "الن گاردن" اولین مقاومت های مردم در مقابل پولیس دیده شد. زن و مرد جوانی که قصد ورود به پارک "الن گاردن" را داشتند توسط پولیس متوقف شدند. اما آن ها به پولیس اجازه ندادند که کوله پشتی هایشان را بازرسی کند. مردم به محض این که متوجه واقعه شدند، به سمت آن ها رفته و فریاد میزدند "بگذارید بروند" (Let them go). پولیس که تجمع خشمگین تظاهرکنندگان را دید مجبور شد که از بازرسی آن دو نفر خودداری کند. آن ها پیروزمندانه به داخل پارک آمدند. پس از این واقعه، تصمیم گرفته شد که همه در حاشیه های پارک تجمع کنند تا اجازه ندهند که پولیس مزاحم کسانی شود که از خیابان های کنار پارک قصد پیوستن به تظاهرات را دارند.

دولت انتاریو که میدانست به دلیل برگزاری این نشست با اعتراضات بزرگی مواجه خواهد شد، جهت مقابله با تظاهرات مردم تدارکات بزرگی دیده بود و از جمله قوانینی را به تصویب رسانده بود که اختیارات زیادی به پولیس می داد. دولت انتاریو با درس گیری از تجربه دولت فدرال کانادا که در سال ۲۰۰۱ پیش از شروع "نشست سران کشورهای قاره آمریکا" در شهر کُوبک، برای آزاد گذاشتن پولیس در سرکوب تظاهرکنندگان قانونی را تصویب کرده بود که دست پولیس را در سرکوب مردم باز می گذاشت، همین راه را در پیش گرفت. در سال ۲۰۰۱ قانون دولت فدرال به پولیس اجازه می داد که آزادی بیان را از مردم سلب کرده بخشی از شهر را محصور کند و مقرراتی شبیه به حکومت نظامی پیاده کرده و آزادی رفت و آمد در شهر را محدود نماید و حتی تظاهرکنندگان را به جرم شکستن مقررات عبور و مرور دستگیر و زندانی کند.

حال دولت انتاریو نیز قانون موقت مشابهی را تنها برای روزهای نشست تصویب کرده بود. طبق این قانون پولیس میتواند هر کسی را که در ۵ متری حصار های محل نشست قرار دارد بازرسی بدنی کند و هر کسی را هم که به پولیس اجازه بازرسی بدنی ندهد و یا از ارائه کارت شناسایی خودداری کند، دستگیر کند. در صورتی که سلب آزادی بیان و آزادی تردد افراد در شهر و یا بازرسی بدنی افراد در ملا عام طبق قانون اساسی کانادا ممنوع است. وکلای آگاه و آزدیخواه تورنتو علیه تصویب قانون جدید و موقتی که در تضاد با قانون اساسی است اعتراض کردند و آن را مخالف با قانون اساسی و حقوق دموکراتیک مردم اعلام کردند. تصویب این قانون مدت ها مخفی نگه داشته شد و در روز پنجشنبه (شب قبل از تظاهرات) علنی شد.

هر بار که پولیس قصد بازرسی کیف تظاهرکنندگان را کرد، تظاهرکنندگان مقاومت می کردند و فریاد می زدند "طبق قانونی که شبانه تصویب کردید، می توانید کسانی را که در ۵ متری منطقه محصور شده قرار دارند در ملا عام بازرسی بدنی کنید. اما فردا خواهید دید که اجازه این کار را هم به شما نخواهیم داد. ما از حقوق دموکراتیک خودمان عقب نشینی نخواهیم کرد."

وکلای آگاه و آزادیخواه تورنتو از روز قبل که این قانون علنی شد علیه این قانون و حتی شیوه تصویب آن (که شبانه و با شیوه ای کاملاً غیر دموکراتیک بود) اعتراض کردند و از مردم خواستند که در مقابل این گونه تهاجمات دولت به حقوق و آزادی های دموکراتیک خود مقاومت و مبارزه کنند.

تظاهرات متحدانه این روز جلوه ای از خشم و نفرت توده ها نسبت به نظام سرمایه داری و گردانندگان آن را به نمایش گذارد. فعالین چریکهای فدائی خلق ایران- تورنتو در این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند و با بنر و شعارهای انقلابی خود ماهیت ضد سرمایه داری این تظاهرات را انعکاس می دادند. آن ها و دیگر رفقای چپ ایرانی در حاشیه شمالی پارک جمع شده و به سر دادن شعارهایی مانند "مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" و "ما چه می خواهیم؟ سوسیالیسم می خواهیم" پرداختند. پرچم های سرخ چریکهای فدائی خلق و دیگر نیروهای چپ ایرانی مورد توجه جوانان انقلابی قرار گرفته بود و برخی از آن ها با شور و شوق در دادن شعارها با ما همراهی میکردند.

جالب است که چندین نفر از جوانان مبارزی که به این تظاهرات آمده بودند در رابطه با چریکهای فدائی خلق ایران سؤال میکردند. ما ضمن توضیح مواضع سازمان، تلاش کردیم که با تشریح نقش امپریالیست ها در حمایت از رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی، در این رابطه نیز به افشای پیردازیم. این واقعیت به شرکت فعالان چریکهای فدائی خلق ایران- تورنتو در این تظاهرات بار ویژه ای بخشید.

تظاهرات روز جمعه ظاهراً بدون درگیری و دستگیری تمام شد. اما روز بعد با خبر دستگیری برخی از تظاهرکنندگان در نیمه های شب گذشته مواجه شدیم. پولیس در نیمه های شب به خانه های برخی از تظاهرکنندگان (فعالان اجتماعی مشهور در محله ها) حمله کرده و آن ها را از رختخواب بیرون کشیده و به زندان برده بودند. انتشار خبر این نوع دستگیری ها خشم مردم تورنتو را برانگیخت و موجب شد که تعداد زیادی از مردم غیرفعال سیاسی قصد شرکت در تظاهرات روز بعد را بکنند. در واقع عملکرد پولیس و ترفندهای موزیانه اش برای "تروریست و اغتشاشگر" معرفی کردن تظاهرکنندگان به ضد خودشان عمل کرد. رفتار سرکوبگرانه پولیس منجر به ایجاد و رشد اتحاد در جامعه علیه خشونت پولیس شد.

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران- تورنتو
شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۰

تظاهرات نیروهای آزادیخواه کانادا در روز شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۰ در مرکز شهر تورنتو

تظاهرات روز شنبه ۲۶ جون بر علیه نشست جی-۸ و جی-۲۰ در تورنتو از ساعت ۱۱ و با تجمع در محوطه روبروی پارلمان استان انتاریو (که "کوئینز پارک" نام دارد) شروع شد. بیش از ۳۰ هزار نفر از نیروهای کمونیست و مبارز و همچنین فعالان اجتماعی مترقی برای اعتراض به وضعیت ناگوار اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و استثمار شدیدی که در نتیجه تسلط سیستم سرمایه داری بر جهان ایجاد شده، در این تظاهرات شرکت داشتند.

باران شدیدی می بارید اما لحظه به لحظه به تعداد تظاهرکنندگان افزوده میشد. مردم و نیروهای چپ از پرچم ها و پلاکاردهای همدیگر عکس می گرفتند و برخوردها بسیار دوستانه و رفیقانه بود. به استثنای برخی از نیروهای وابسته به اتحادیه های کانادا (کنگره کارگران کانادا- CLC و فدراسیون کارگران انتاریو- OFL) که با مردم و

نیروهای چپ برخوردی ارباب منشانه داشتند و حتی اجازه نمی دادند کسی به تربیون آن ها نزدیک شود و یا از سکوی چوبی آن ها برای گرفتن عکس از جمعیت استفاده کند. دختر جوانی که می خواست روی سکو رفته و عکسی برای خود از تظاهرات بگیرد با مخالفت آن ها روبرو شد در نتیجه فریاد زد "پولیس حداقل به قول خودش منطقه آزادی بیان مشخص کرده اما شما با این همه ادعاهائی که دارید سکوی چوبی زهرماری تان را هم با مردم تقسیم نمی کنید!"

موضع گیری کنگره کارگران کانادا- CLC که کاملاً به نفع پولیس و علیه مردم بود، بار دیگر ماهیت و خصلت راست و ضد مردمی این گونه نیروها و اتحادیه های زرد را به عینه در مقابل مردم به نمایش گذارد.

یکی از نکات چشمگیر در این تظاهرات حضور جوانان انقلابی نسل دوم ایرانیان ساکن کانادا بود. این جوانان آگاه و مبارز که به نقش امپریالیست ها در استثمار مردم ایران و جهان واقف هستند به این تظاهرات ضد امپریالیستی آمده و در صف مقدم آن قرار داشتند. جوانان آگاه افغانی نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. چند تن از دختران نوجوان افغانی با دیدن فعالان چپ ایرانی میگفتند که **"ما برای اعتراض به اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها به این تظاهرات آمده ایم و حضور فعال ایرانی های کمونیست در این تظاهرات ما را خیلی خوشحال کرد. یاد صحنه های تظاهرات در ایران افتادیم که در تلویزیون دیده بودیم."**

حضور فعالان چپ ایرانی در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود و در اکثر خبرها نیز منعکس شد. بنر فعالان "چریکهای فدائی خلق ایران" که شعار های "مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" در آن درج شده بود مورد توجه جوانان انقلابی قرار می گرفت که برخی از آنها با حمل این بنر و عکس گرفتن با آن و تکرار شعار روی آن، اتحاد انقلابی شان را با سر دهندگان این شعار ها اعلام می کردند.

یکی از رفقای چپ ایرانی سرود های انقلابی (به زبان انگلیسی) را از بلندگو پخش می کرد که تظاهر کنندگان را به شور و شوق در می آورد.

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر راه پیمائی به سمت جنوب در خیابان "یونیورسیتی" شروع شد. پولیس از قبل به سازمان دهندگان تظاهرات گفته بود که "به محض این که به خیابان "کوئین" برسید با دیواری از پولیس مسلح به باتوم و گاز اشک آور و اسپری فلفل مواجه خواهید شد که مسیر درست راه پیمائی را به شما یادآوری خواهند کرد." (خیابان کوئین ۴ بلوک با حصار های محل نشست جی- ۲۰ فاصله دارد.)

اتحادیه های زرد و گروه های راست و مذهبی مسیر مشخصی را برای تظاهرات اعلام کرده و برای نشان دادن "حسن نیت خود" آن را از قبل به پولیس نیز اطلاع داده بودند و از آن مسیر هم خارج نشدند. اما نیرو های چپ و دیگر نیرو های معترض قصد داشتند که با عبور از نرده ها و دیوار های ایجاد شده به دور محوطه نشست، علیه عملکرد پولیس برای سلب آزادی های دمکراتیک مردم اعتراض کنند. در نتیجه در وسط مسیر راه پیمائی از اتحادیه ها جدا شده و در مسیر جنوب در بلوار "یونیورسیتی" و در خیابان های اطراف محل نشست حرکت نموده و در نتیجه با مقابله پولیس مواجه شده و پولیس با آن ها درگیر شد.

حوادثی که در این مسیر اتفاق افتاد حاوی تجارب فراوانی برای نیرو های سیاسی و جوانان مبارز کانادائی می باشد که برای حفظ دستاوردهای سال ها مبارزات مردم این کشور در طول تاریخ، به مقاومت و مبارزه علیه پولیس و دولت سرمایه داری ادامه خواهند داد.

هر بار که تظاهر کنندگان می خواستند برای رسیدن به حصار های نشست از سد پولیس در خیابان های فرعی و اصلی بگذرند، پولیس آنها را هل میداد و با باتوم می زد و از آن جا دور می کرد. چندین نفر در اثر اصابت باتوم به

سرشان زخمی شدند. در مقطعی از تظاهرات، مردم شاهد کتک خوردن و زخمی شدن پسر جوانی بودند که سرش در اثر ضربه باتوم شکسته شده بود. دوستانش تلاش کردند سر او را باند پیچی کرده و وی را به یکی از بیمارستان های بلوار "یونیورسیتی" منتقل کنند. برخی از خبرنگاران که از نزدیک شاهد خشونت پوлис بودند تلاش می کردند که از تظاهر کنندگان دفاع کنند. در یکی از سد هائی که پوлис ایجاد کرده و راه را بسته بود، خبرنگاری به یکی از تظاهر کنندگان که رو در رو با پوлис ایستاده بود و داشت از آن ها عکس می گرفت با ترس گفت "این ها شوخی ندارند، می زنند و زخمی ات میکنند. همین الان فرق سر دختری را شکافتند. بیا عقب و از شان فاصله بگیر و گرنه بهت رحم نمیکنند." او در حین گفتن این حرف ها خشمگینانه به پوлис هائی که به سمت آن ها حرکت می کردند اشاره می کرد.

تظاهر کنندگان به سمت جنوب به حرکت و در واقع دویدن و فرار و گریز از دست پوлис هار سرمایه داری ادامه دادند و در چهار راه خیابان "بی" (Bay) و "کینگ" با صفی از حدود ۱۰۰ نفر پوлис روبرو شدند که راه را به سمت جنوب بسته بودند. آن ها برای بستن راه چند تا از اتومبیل های خودشان را نیز در وسط چهار راه گذاشته بودند. بعد از چند دقیقه دیدیم که اتومبیل های پوлис آتش زده شدند. یکی از دختران جلودار تظاهرات در بلندگو خطاب به پوлис فریاد میزد "ما احمق نیستیم. میدانیم خودتان ماشین هایتان را آتش زدید که سرکوب ما را توجیه کنید. تظاهرات ما مسالمت آمیز است. اما شما به خشونت دست می زنید و می خواهید با این اعمالتان ما را به خشونت متهم کنید..." در تمام طول تظاهرات مردم در مورد حرف های آن دختر و توطئه های پوлис صحبت می کردند.

پوлис های ضد شورش از سمت جنوب و غرب تقاطع "بی" و "کینگ" به سمت تظاهر کنندگان رژه می رفتند و صدای گوش خراش دستگاه صوتی پوлис (سلاح جدید نیروهای پوлис که برای مقابله با تظاهر کنندگان تهیه شده بود و میتواند به گوش انسان صدمه وارد کرده و حتی شخص را کر کند) از پشت سر شنیده می شد. بوی گاز اشک آور و چیزی که گفته می شد گاز فلفل است از خیابان های فرعی اطراف می آمد. همان موقع شایع شد که یک دسته از تظاهر کنندگان خودشان را به کنار حصار رسانده و پوлис با آن ها درگیر شده است. دسته دیگری در تقاطع خیابان های "کونین" و "اسپاداینا" با پوлис مواجه شدند که پوлис ها با آن ها درگیر شده بودند. واقعیت این است که هیچ تظاهر کننده ای مستقیماً به پوлис حمله نکرد. و در واقع تظاهر کنندگان با دست خالی و زیر باران شدید راه پیمائی می کردند اما پوлис مسلح به باتوم و گاز اشک آور و غیره برای ترساندن و پراکنده کردن آن ها مرتباً به تظاهر کنندگان حمله می کردند.

دسته ای که اکثر فعالان چپ ایرانی در میان آن ها بودند راهی را به سمت شرق باز کرد و سپس در خیابان "یانگ" شعار گویان به سمت شمال به راه افتاد. شعارهای مختلفی در رابطه با محکومیت پایمال کردن حقوق دموکراتیک مردم و علیه سرکوب پوлис داده میشد. بسیاری از شعارها همان موقع توسط تظاهر کننده ای ابداع میشد و بقیه تکرار می کردند. شعار هائی مانند:

"جابجائی جنایتکاران به یک میلیارد دلار نیاز دارد" (Moving criminals around, needs one Billion dollars) ، (در اشاره به مخارج یک میلیارد دلاری برای حفاظت افراد شرکت کننده در نشست جی-۸ و جی-۲۰) و یا "ما صلح طلب هستیم، تو چی؟" (We are peaceful, How about you?) و یا "خیابان کیه؟ خیابان منه" (Whose street? My street)

این امر خود انعکاسی از این واقعیت بود که اساساً اکثر شعارها و حرکت‌هایی که در خارج از میدان "کوئینز پارک" و در خیابان‌ها و در درگیری با پولیس انجام شد، حرکت‌های خودبه‌خودی مردم آزادیخواه در برخورد با اعمال خشونت‌آمیز پولیس بود.

چند تن از افرادی که نقاب و لباس سیاه پوشیده بودند (Black Block) به شکستن شیشه‌های بانک‌ها و اماکنی مانند "استار باکس" و فروشگاه "آدیداس" و "مک دانالدز" و غیره پرداختند. هرچند که بخشی از تظاهرکنندگان این کارها را قبول نداشتند اما اقدامات کسانی که در اثر افزایش فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی و هزاران رنج و بدبختی دیگر خشم خود از سیستم سرمایه‌داری موجود را این چنین نشان می‌دادند، را درک می‌کردند و خشم آن‌ها را به حق می‌دانستند.

مردم اکثراً به اشتباه تظاهرکنندگان موسوم به "بلوک سیاه" (افرادی که با لباس و نقاب سیاه در تظاهرات شرکت می‌کنند) را آنارشویست می‌نامند. اما "بلوک سیاه" سازمان و یا گروه مشخصی نیست. این گروه در هر تظاهرات و حرکتی فراخوان جمع شدن و تشکیل یک "بلوک سیاه" می‌دهد. و افرادی با دیدگاه‌های مختلف (و هر بار افرادی متفاوت) جمع میشوند و بلوک سیاه را برای همان حرکت یا تظاهرات مشخص تشکیل می‌دهند. در میان آن‌ها همه نوع ایدئولوژی و طرز فکر (از مارکسیست مترقی گرفته تا گروه‌های طرفدار حیوانات و محیط زیست و یا آنارشویست‌ها) وجود دارند. بنابر این خلاف تصور مردم، همه آن‌ها آنارشویست نیستند.

به علاوه خشونت کور پولیس، برخی دیگر از عملکردهای پولیس نیز نشان‌دهنده ترس و غافلگیر شدن آن‌ها بود. به عنوان مثال، پولیس به هر دلیلی نیروهای خود در خیابان "یانگ" را بدون وسیله نقلیه رها کرده و به پاسداری از دیوارهای حفاظتی یک میلیارد دلاری اش که سرمایه‌داران را پشت آن (از ترس مردم) پنهان کرده بود، رفته بود. در خیابان "یانگ" متوجه شدیم که نیروی پولیس پشت سر ما و در کنار حصار متمرکز شده و در نتیجه تعداد پولیس باقی‌مانده در خیابان "یانگ" خیلی کمتر از ما بود و نمی‌توانست ما را متفرق کند. در نتیجه آن پولیس‌ها فرار را برقرار ترجیح دادند. یک گروه چند نفره پولیس (که بدون وسیله نقلیه در خیابان "یانگ" رها شده بودند) خودشان را به خیابان "بی" رساندند و یک تاکسی را متوقف کرده و راننده آن را پیاده کرده و خود با تاکسی فرار کردند!

یک گروه دیگر (حدود ۱۰ نفر) از افراد پولیس را دیدیم که در تقاطع "یانگ" و "کالج" راننده ماشین مینی‌ون متعلق به تی-تی-سی (شرکت اتوبوس رانی) را پیاده کرده و خود با آن فرار کردند. همه آن‌ها در داخل ون جا نشده و چند نفرشان از آن آویزان شده بودند و جمعیت نمی‌توانست با دیدن وضع رقت بار پولیس‌های در حال فرار، جلوی خنده خود را بگیرد.

تظاهرکنندگان عملاً کاری به پولیس نداشتند، فقط می‌خواستند راه خود را باز کنند و به تظاهرات خود ادامه دهند. آن‌ها فقط مسیر هائی را که توسط پولیس بسته شده بود، باز می‌کردند. در این محل به دلیل کم بودن تعداد پولیس‌ها به محض این که مردم معترض به ۱۰ متری آن‌ها می‌رسیدند عقب نشینی کرده و فرار می‌کردند.

در آن لحظه حدس زده می‌شد که به آن‌ها دستور داده اند که با تظاهرکنندگان درگیر نشوند. اما بعداً معلوم شد که نیروی پولیسی که در خیابان "یانگ" مانده بود تعدادش کم بود و وسیله نقلیه (برای خودشان و یا برای خارج کردن دستگیرشدگان) نداشتند. در نتیجه نمی‌توانستند با ما درگیر شده و دستگیرمان کنند. وقتی به پولیس‌ها نزدیک میشدیم صدای آن‌ها را می‌شنیدیم که با بی‌سیم تقاضای کمک از مرکز می‌کردند. اما معلوم شد اکثر نیروی پولیس

با گروهی از تظاهر کنندگان که خودش را به نزدیکی حصار رسانده بود درگیر شده و نمی تواند به کمک پولیس محاصره شده در خیابان "یانگ" بیاید.

تاریکی شب نزدیک می شد. با این که خیابان "یانگ" از پولیس خالی شده بود و رهگذر هائی هم که در خیابان بودند به تظاهر کنندگان پیوسته و یا از آن ها حمایت می کردند، اما هیچکدام از تظاهر کنندگان نمی خواستند خیابان را خالی کرده و به خانه هایشان بروند.

هدف همه تظاهر کنندگان مترقی این بود که به عملکرد خشونت آمیز امپریالیست ها علیه مردم تحت ستم اعتراض کنند، یعنی علیه فقر و بیکاری و جنگ و هزار نوع بدبختی و ستمی که در نتیجه حکومت سرمایه داری ایجاد شده است. هدف این بود که از حقوق دمکراتیک مردم دفاع کرده و به عنوان مثال نشان دهند که مردم حق تظاهرات آزادانه در خیابان ها را دارند و پولیس نمیتواند و نباید با حضور نظامی خود مردم را از ابراز عقیده بترساند. این هدف را با دادن شعارهای انقلابی بیان می کردند.

تظاهرات تا نیمه شب ادامه داشت و درگیری خشونت آمیز پولیس با تظاهر کنندگان در روز بعد نیز ادامه پیدا کرد و وحشیگری های اعمال شده از طرف پولیس سرمایه داری، نقاب از چهره کریه ضد خلقی به اصطلاح "دمکراسی" سرمایه داری برداشت. چندین نفر از فعالان رادیکال و مبارز ایرانی نسل جدید نیز دستگیر شدند. جوان هائی که تجارب و آگاهی های انقلابی که از نسل انقلاب ۵۷ به آن ها منتقل شده را وارد جامعه کانادا کرده و همراه با هم نسل های آگاه و مبارز خود در جامعه کانادا به فعالیت های اجتماعی انقلابی مشغولند، مورد حمله خشونت آمیز پولیس ضد خلقی حافظ منافع سرمایه داری قرار گرفتند.

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران- تورنتو

یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰

حکومت نظامی در مرکز شهر تورنتو و یورش وحشیانه پولیس به مبارزان آزادیخواه یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰

از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون ۲۰۱۰، رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان در استان اونتاریو (کانادا) گرد هم آمدند تا بحران کنونی سرمایه داری جهانی و راه های "برون رفت" از آن را مورد بررسی قرار دهند. از همان ابتداء برای خیلی ها مشخص بود که دولت کانادا از نشست جی-۸ و جی-۲۰ به عنوان بهانه ای برای افزایش کنترل پولیس بر جامعه و محدود کردن آزادی های دمکراتیک توده ها استفاده خواهد کرد. عملکرد خشونت آمیز پولیس با تظاهر کنندگان روزهای جمعه و شنبه و یکشنبه (۲۵ تا ۲۷ جون) این واقعیت را ثابت کرد. دستگیری های دسته جمعی و خشونت پولیس در برخورد با مردم شهر در تمام طول روز یکشنبه ادامه پیدا کرد.

پس از تظاهرات روز شنبه، پولیس با استفاده از عکس ها و فیلم هائی که با دوربین های مدار بسته گرفته بود صداها نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات را دستگیر کرد. برخی در خانه هایشان و یا در خوابگاه های دانشگاه و برخی نیز در خیابان و یا در اتوبوس و قطار در راه بازگشت به خانه دستگیر شدند. هر چند که از تعداد دقیق دستگیر شدگان شنبه شب اطلاعی در دست نیست، اما طبق آمار دولتی بیش از ۶۰۰ نفر در طول سه روز تظاهرات

دستگیر شده اند، اما کسانی که در تظاهرات شرکت داشتند و شاهدان عینی معتقدند که تعداد دستگیر شدگان خیلی بیشتر از این تعداد بوده است.

حتی برخی از کسانی که مردم در تظاهرات شاهد رفتار مسالمت آمیزشان بودند، در یورش های پولیس به خانه ها و خوابگاه های دانشگاه تورنتو، دستگیر شدند. بسیاری از جوانان آگاهی که تنها گناهشان فعالیت در سازمان های اجتماعی محلی و گروه های حمایت از حیوانات و محیط زیست و غیره است، جزء دستگیر شدگان می باشند. به عنوان مثال یک جوان کانادایی را به جرم خشونت دستگیر کردند؛ در حالیکه همه کسانی که در طول تظاهرات در کنار وی قرار داشتند شاهد بودند که تنها کاری که این شخص می کرد حرف زدن با افراد پولیس بود. او حتی در فیلم هایی هم که از تظاهرات پخش شده در حال حرف زدن با پولیس دیده میشود که با لحنی بسیار آرام به پولیسی میگوید "باید به جای ایستادن در مقابل مردم، در کنار مردم فقیر و گرسنه و بیکار و بی خانمان جا بگیری و از آنها حمایت کنی. از این کار سرکوب مردم دست بکش..." او جوان آگاهی به نظر میرسید که نظر همه تظاهر کنندگان را جلب کرده بود. اما روز بعد صحنه دستگیری را در تلویزیون نشان دادند. حتی در لحظه دستگیری نیز روحیه آرام اما اعتراضی خود را حفظ کرده بود. صحنه دستگیری دختر نوجوانی را نیز در تلویزیون نشان دادند که هیچکس رفتار متینش را در صف تظاهرات فراموش نخواهد کرد.

در اعتراض به این دستگیری های شبانه، مردم تورنتو در روز یکشنبه به خیابان های مرکز شهر رفتند. بسیاری از آن ها در جلوی زندان موقتی که بازداشت شدگان در آن جا به سر می بردند تجمع نموده و به آواز خوانی پرداختند تا صدایشان را به گوش دوستانشان که در داخل سلول ها بودند برسانند و به آن ها بگویند که تنها نیستند. اما پولیس با این افراد که صرفاً برای حمایت از دستگیر شدگان آمده بودند نیز با خشونت رفتار کرده و ده ها نفر از آنان را نیز بازداشت کرد.

مردم معترض که در خیابان های مرکز شهر جمع شده بودند، ساعت ها تشنه و گرسنه در سرما و زیر باران شدید در محاصره پولیس قرار گرفتند و پولیس از خروج آن ها از زیر باران نیز جلوگیری می کرد. در این روز پولیس به حرکت احمقانه ای دست زده و تلاش می کرد گنجی های روز قبل خود را جبران کند. در روز قبل (شنبه) تمام نیروی پولیس در کنار حصار محل نشست جمع شده بودند و دیگر خیابان های شهر عملاً تحت کنترل تظاهر کنندگان قرار گرفته بود. هرچند که خلاف تبلیغات نادرست پولیس، تظاهر کنندگان امنیت شهر را به خطر نینداخته بودند.

اما در روز یکشنبه پولیس نیرو هایش را در تمام خیابان های مرکز شهر پخش کرد. درحالی که دیگر کسی در آن خیابان ها نبود. به عنوان مثال در روز شنبه خیابان "یانگ" در تسلط کامل تظاهر کنندگان بود. اما روز یکشنبه هیچکسی در خیابان "یانگ" دیده نمی شد و همه برای حمایت از دستگیر شدگان به خیابان "دافرین" رفته بودند. اما پولیس بخشی از نیرو هایش را به خیابان خالی "یانگ" (صحنه شکست پولیس در شب قبل) فرستاده بود. مردم این صحنه ها را در تلویزیون دنبال کرده و به حماقت پولیس می خندیدند.

خلاف روز شنبه که پولیس گنج شده بود، روز یکشنبه با برنامه ریزی به مردم حمله کرد. مردم زیادی برای اعتراض به حملات وحشیانه پولیس به تظاهرات روز قبل، به مرکز شهر تورنتو رفتند. اما پولیس مردم را در چهار راه ها محاصره و دستگیر کرد و از پیوستن آن ها به یکدیگر و شکل دادن به یک تظاهرات گسترده جلوگیری به عمل آورد.

در واقع پولیس تورنتو وحشت زده از تجمع مجدد مردم، همه چهار راه ها و خیابان های شهر را به محاصره خود درآورد و در هر گوشه گروهی از مردم را به تله انداخت. در هر چهار راه و خیابان تعدادی را محاصره کرده و از پیوستن آن ها به کسانی که در خیابان مجاور قرار داشتند، جلوگیری کرد. درحالی که برخی از این مردم هم برای کارهای روزمره شان و یا از روی کنجکاوی و مشاهده و عکس گرفتن از برخوردهای پولیس "یک میلیارد دلاری" تورنتو به خیابان ها آمده بودند و البته بسیاری هم به قصد تظاهرات آمده بودند.

پولیس عکس ها و فیلم هائی را که از طرق مختلف (من جمله دوربین های مدار بسته جدید) از صحنه های تظاهرات شب قبل تهیه کرده بود به پولیس شهر های دیگر نیز فرستاد که فعالان سیاسی شهر های اطراف تورنتو را نیز به این وسیله دستگیر کنند. دختر جوانی (ایرانی- کانادائی) که برای حمایت از یکی از هم کلاسی هایش که دستگیر شده بود به محل بازداشتگاه آمده بود، در گفتگو با خبرنگاران میگفت "دوست من یک فعال اجتماعی است. من دیروز در تمام طول تظاهرات با او بودم و شاهد هستم که هیچ کار غیر قانونی نکرده است، در شکستن شیشه ها و غیره نقش نداشته و نباید دستگیر می شد."

در روز یکشنبه دسته های کوچک و بزرگی از مردم به شیوه گروهی دستگیر شدند. گروهی دوچرخه سوار به سمت خیابان های "کوئین" و "دافرین" (محل نگهداری زندانیان) می رفتند که به تله پولیس افتادند. پولیس با بی رحمی کامل به آن ها حمله کرده و دستگیرشان کرد. چندین پولیس به یک دختر جوان که به خشونت پولیس اعتراض کرد حمله کردند و او را از روی دوچرخه اش پائین کشیده و به داخل ماشین پولیس انداختند. چند پولیس او را زیر صندلی عقب اتومبیل انداختند و خودشان روی صندلی نشستند و پاهایشان را روی او گذاشتند. و به این طریق بینندگان ایرانی را یاد صحنه های دستگیری در خیابان های تهران انداختند.

تعداد دیگری تظاهر کننده در اعتراض به خشونت پولیس، به سمت دفتر تشکلی به نام "مرکز سازماندهی اجتماعی مردم محل تربیتی" که تشکلی اجتماعی است و چند تن از رهبران دستگیر شده اند، حرکت می کردند که مورد حمله پولیس واقع شدند. همه آن ها دستگیر شدند.

دسته دیگری که به سمت دادگاهی در خیابان "فینچ" نزدیک به اتوبان ۴۰۰ در حرکت بودند نیز توسط پولیس محاصره و دستگیر شدند. برخی از آنان والدینی بودند که برای دیدن فرزندان دستگیر شده شان می رفتند. مردم با دیدن سرکوبگری های پولیس آنها را هو می کردند و به این وسیله خشم و نفرتشان از اعمال وحشیانه پولیس را نشان می دادند.

برخی از بازداشت شدگانی که آزاد شده اند در مورد خشونت پولیس در زندان افشاءگری کرده اند. پولیس آن ها را ساعت ها (در مواردی بیش از ۱۲ ساعت) در سلول های انفرادی بدون دستشویی و بدون آب و غذا نگه داشته و به آن ها اجازه تماس با خانواده ها و یا وکیل هم نمی داده است. برخی از مردم روشنفکر کانادا که هنوز خاطره دیدن صحنه های تلویزیونی رفتار وحشیانه پاسدار ها با جوانان ایرانی در تظاهرات سال گذشته را به یاد دارند می گفتند "تورنتو به ایران دوم تبدیل شده است."

چند عکاس و خبرنگار نیز در میان دستگیر شدگان بودند. در خیابان "کوئین" پولیس به خبرنگار ها (که همه کارت های خبرنگاری شان را به لباس هایشان زده بودند) می گفت "اگر از داخل جمعیت خارج نشوید دستگیر خواهید شد."

یک خبرنگار انگلیسی می گفت "با تجربه ای که من از این گونه وقایع در اروپا دارم، به نظر می رسد که اطلاعاتی در رابطه با تظاهرات و یا حرکت های دیگر به پولیس داده شده و از این جهت است که پولیس اینگونه

کورکورانه به دستگیری های دسته جمعی دست زده است. یعنی پولیس میدانند که قرار است اتفاقی بیفتد و وحشت برش داشته است."

در تقاطع خیابان های "کوئین" و "اسپاداینا" (که تا ساعت ۱۱ شب قبل نیز محل حمله وحشیانه پولیس به تظاهر کنندگان بود) پولیس به مردم دستور می داد که پراکنده شوند، اما کسی نمی خواست دستور پولیس را انجام دهد. در نتیجه همه کسانی که در چهار راه بودند محاصره شده و یکی یکی دستگیر شدند.

به دلیل اوضاعی که در شهر شکل گرفته بود بسیاری از ایستگاه های قطار شهری (مترو) بسته شد. یک زن ایرانی که کارگر یکی از کارخانه های خارج از شهر است می گفت که "روز جمعه پس از ۱۲ ساعت کار مشقت بار در کارخانه، مجبور شدم با تعویض چندین اتوبوس به خانه برگردم. ساعت ها طول کشید. نیمه های شب خسته و کوفته به خانه رسیدم. کاش نرفته بودم سرکار. این شندرغاز مزد روزانه ای که می دهند به جهنم. کاش می آمدم تظاهرات و خشمم را سر این دولت های امپریالیستی که رژیم جمهوری اسلامی را برای ما اختراع کردند، درمی آوردم."

روز یکشنبه، مشاهده وحشیگری های پولیس به این ایده دامن زد که آتش زدن ماشین های پولیس و شکستن شیشه ها در تظاهرات شب قبل نیز کار خود پولیس بوده است. البته چنین عملکردی توسط پولیس کانادا بی سابقه نیست. در سال ۲۰۰۷ در نشست سران کشورهای آمریکای شمالی که در "مونت بل" در استان "کوبک" کانادا برگزار شد، فیلمی منتشر شد که پولیس های لباس شخصی را نشان می داد که با پرتاب سنگ و شکستن شیشه ها تظاهر کنندگان را به انجام کارهای مشابه تشویق می کردند تا فضا را برای سرکوب وحشیانه آن ها آماده کنند. افشای این مسأله موجب رسوائی شدید پولیس شد.

این گونه اعمال در پولیس کشورهای دیگر نیز سابقه دارد. به عنوان مثال در جریان نشست جی-۸ در سال ۲۰۰۱ در شهر "جنوا" ایتالیا نیز معلوم شد که افراد پولیس با لباس شخصی در میان تظاهر کنندگان رفته و اقدام به خرابکاری کرده بودند.

عملکرد پولیس تورنتو در روز یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰، حمله آن ها به خانه های مردم و خوابگاه های دانشگاه تورنتو و دستگیری صدها فعال اجتماعی، دستگیری های کورکورانه در خیابان ها و حمله و ضرب و شتم مردم، نقاب از چهره "دمکراسی" سرمایه داری در کشورهای متمدن هم برداشت و نشان داد که آن دسته از افراد و گروه ها که به این دمکراسی طبقه سرمایه دار جهانی توهم دارند و آن را بهشت برین می دانند، چقدر در اشتباه به سر می برند.

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران - تورنتو

دوشنبه ۲۸ جون ۲۰۱۰